

# نداء خلق

شماره هفتم

سال اول

تاریخ ۲ ثور ۱۳۳۰

موضوعیت و عدم مسئولیت رئیس دولت

شاغلی رحیم غفور ی

واضح است که هر دولتی سعی میکند در نزد خلق و تاریخ

آیا میتوان انکسار نمود ؟؟؟

مقام محترمی داشته و برنامه زندگیتر سفید و درخشان باشد اگر تاریخ تحول سیاسی ممالک را در ادوار مختلفه ورق زنی

احترام و منزلت هر دولت مربوط بحمایه او از حق

صحنه ها و ماجراهای دران من بامید حیرت انگیز و رقت

قانون و بیطرفی کامل او در مقابل ارکان و اساسات سلطنت

اور در مطالعه خود احصا نیه بگیری در معرکه های

است از همین جا است که رئیس دولت و یا شاه در یک

خوبین قریبان شده گان را بشمارید - آنهاش را که در

حکومت مشروطه و دیموکراسی قانوتنا مصون و غیر مسئول

مقابل استبداد و ستم جان داده اند حساب کنید تقریبا

است - چه رئیس دولت کاملا بیطرف بوده و بهیچ فرد و حزبا

دهم را جوان خواهد یافت - نور شرویم وضع رقت انگیز

و دسته تمایل و یا دشمنی شخصی نداشته و خود شرمناک

و تاثیر اور سیاسی مملکت خود - صحنه های خونین -

قانون و مراقب اجرای قانون است - فلذا از همه شر و شور

ما چرا های تاریخ سیاسی - دوره های استعمار و استثمار

اجتماعی در مملکت بر کران و مصون میباشد برای اینکه

و بالاخره تر قفلت متداول یا بتقریر یک کتله ۱۲ ملیون نسبی

رئیس دولت در قضایا بیطرف مانده میتواند - قانون اساسی

نوع بشر را درین کتف دور افتاده - جهان در صد سال

ملل تصریح میکند که افراد خاندان شاه نمیتوانند در

اخیر یکایک بنظر مجسم و باز تحولاتی را که قهرادرین صحنه

کامینه شامل شده و مسئولیت اجرائیه را بدوش بگیرند

ها پدید آمده اند با عمق نظر جستجو نهائید نخواهد

طیما درین نکته یک راز مهمی نهفته است - چه در صورت

دید که پهلوانان و مثلین این صحنه ها را جوانان تشکیل

شمول مشو بین رئیس دولت در امور مهمه آن وقت بحکم

داده اند - بلی جوانانیکه آه در مساط و از نیروی مادی

فطرت رئیس دولت بیطرف نمانده و لذا وظیفه مراقبت قانون

جز حزم و لراوده آهنین چیز دیگری نداشته و تانی جز گنهای

و حمایت از حقوق خلق و تساری افراد در مقابل محاکم دولت

تصمیم شان نبود - جوانانیکه منطق دیگری را جز منطق

از همین رفته و در نتیجه بار همه مسئولیت ها امروز فردا

راست گوئی و راست پوئی نمیشناختند - جوانانیکه تمام

رئیس دولت تحمیل و موضوعیت و عدم مسئولیت مقام دولت

تسوامیس ملی و اجتماعی و دینی خود ممتقد بوده و عا دلیسی

تامین شده و در نظام عمومی اختلال پیدا میشود - برای

جز درد ملی و عشق حق و خلق برای خدا کلری و جان بازی

حل این معضله هم چاره اساسی و قانونی سنجیده اند

نداشتند - همین جوانان موفق شدند در برابر غنی ترین

بر روی این اصل در اغلب ممالک مشروطه در مقابل مجلس

انسان استغنا کنند - در مقابل قویترین و ظالمتزین دشمن

عوام که از نماینده گان حقیقی خلق تشکیل شده است -

سلاح بر دارند - در برابر خالترین و سیاسی ترین تسل

مجلس تازی دیگری تمام - جاس اعیان تشکیل داده اند

بشر استند لال حق نمایند و در مقابل مدبر ترین قزم چاره و

مجلس اعیان عموما دو نوع اعضای انتخابی و انتصابی داشته

ند - بهر حرب و سیاست پیچید میشوند و در میدان آزمایش و فتح و

و لذا معضله مذکوره حل شده و دولت میتواند از ادا

فرورز شود و با لاخره در برابر هر تجاوز - تخطی - ظلم

افراد را که دارای تجارب و سوابق خدمت و مقام بسز و

اجحاف - خد - خیانت - رها ر تا جو انردی مقاوت و

خاندانی باشند - مجلس اعیان انتصاب و از افکار و نظر یا

جان بازی نمایند و مردوار سینه را سهر سازند - اکنون هم

بقیه در صفحه ۴

بقیه در صفحه ۴

تویسنده غلام حضرت وکیل کاپیسا  
 (اگر چه در شماره ۶ ششم تذکری ازین مکتوب داده بودیم  
 اما در اثر تقاضای دو ستانه ۶ شاعلی رئیس مطبوعات  
 اصل مکتوب را ایستاد نشر میبناهم)  
 تو همین بقانون تو همین بشور او تو همین بشور او تو همین  
 بملت است :

شاعلی عطاشی !

دو ستاد ازت در صد دان است که باری عکس خود را بتمام  
 قهر مان تقرب و فریبکاری سبزو سرخ در يك صفحه روزنامه  
 به بزرگواری بودای ما میان چا. پی گفتو یا اقلا نمره تیلفون  
 خود را بحروف درشت (۳۹) اعلان نمایم اماتو که روادار  
 نیستی گران بار باشم از اصل نام بنده بمصدق مقاله "عنوانهای

شماره اول جریده تدایه خلق را خواندم و به یاد ایمن  
 مثل معروف افغانی افتادم که در کودکی شنیده بودم :  
 زه د مری ژارم - سه بی خولی پوری خاندی  
 ز برادرین شماره نوشته بود قانون مطبوعات میراث ظلم و بزار  
 مانده استبداد و مان ارتجاع است !

شاعلی سلجوقی حروف زاید را هم کم ساختی ... راستی آینه  
 و آینه همان است که بود ... ولی هوش باشد که از پهلوی  
 کدام ع - ص را کم نکنی و یا اگر اتفاق افتاد از اشخاصی نام  
 بهری ... البته هر جمعیت اجتماعی اندازد اظهار خدمت و مقام  
 علی و فضایل دیگرش که بدرد تو خورد که محض سر مایه

من بسیار متأثر شدم از يك جریده که خود را تدایه خلق  
 معرفی کرده و ادعا دارد که آواز ملت است چنین چیزی -  
 شنیده شوه که در آن تو همین صریح بقانون باشد آنها هم  
 قانون مطبوعات که خود میداد بوجود آمدن این همه روزنامه  
 ها و نگارش ها گردیده است قانون مطبوعات یعنی همان وثیقه  
 قریب که تدای خلق و امثال آن توانستند در پرتو آن افکار  
 خود را بهر رنگ و صیغه که دل شان بخواهد جلوه دهند  
 این قانون دیری نمیگذرد که مورد ستاین و تقدیر اغلب  
 نویسندگان و گویندگان وطن قرار یافته و در  
 آن مقاله ها نوشته بودند هنوز آن گفته ها و استدلالها

املاک و حجم و جسامت آنها چنانچه بر ابر اشخاص معمولی صرف  
 تان و کالا بنمایند لازم است در نظرت باشد در شماره ۱۵ را  
 ۳۰ تدایه خلق از قانون اساسی و منع بیگاری طبق یکی از مواد آن  
 کپی زده بودید ... من هم بخود اجازه داده خود ...  
 باز معترضه دیگر ... خدا - علاوه اقبال را مغفرت کند ... او  
 گفته "خودی است که انسان را سمبول عز - اراده و محتویات  
 قوی بی سازد ... پس خود با قوه که داریم باید تن به هیچ گونه  
 بستن و ذلت نداده چاره گر کار خود باشیم ...  
 ز خاک خویش طلب آتش که میدانیست  
 تجلی دگری در خورتماشا نیست  
 این همانند ...

و ستایش هادر فضای مطبوعات ماظنهن انداز است ...  
 عقیده من تو همین بقانون تو همین بمجلس مکتبه و تو همین  
 بمجلس تو همین بملت است ... زیرا قانون دستاویز ملی میباشد نامه های موضوع توقیف و مجازات نمیشوند ... (الا آخر)  
 از شوری و ایمان گزارش یافته - نماینده گان ملت در آن  
 امضا کرده بصدقه پادشاه و اولوالعمر متبوع و مطاع مارسیده  
 شکفت اینجاست که خود مو سس تدایه خلق آقای دکتر -  
 محمودی نیز درین قانون بحیث وکیل شهر کابل موافقت نموده تحت اشتمال و یا مجرم و جانی و ملزم قبل از فیصله محاکم و  
 علاوه بر جناب ایشان یکصد و هشتاد تن که همه مانعند محکومیت اصولی مجرم از مرجع ان توقیف و بازداشت نماید  
 او و کلا ی ملت و به اصطلاح تدای خلق - نماینده گان  
 خلقند آنها تصویب نموده ... آنها تصدیق یک قضیه یک جا و  
 کردید آن جای دیگر از روی منطق و عقل تقاضی نموست ؟  
 آیا تو همین قوا تسن قانون شکی محسوب نمیشود ؟  
 آیا هم وقت واحد قانون را تصویب نمودن و خود همان قانون  
 را تفهیم کردن مستلزم تولید اختلال و دو نیت نمیشود ؟  
 من که یکی از نماینده گان ملت نجیب افغانم و خدای را

ماده یازده قانون اساسی چنین است "حریت شخصیه ازهر  
 فرس مصون است ... هیچ کس بدون امر شرعی و اصول  
 ماده ۱۹ قید نموده است ( شکیجه و دیگر انواع زجر تماما  
 موقوف است و خارج احکام شرع شریف و اصولنامه های دولت  
 برای هیچکس مجازات داده نمیشود ) آیا اشخاص متهم و یا  
 محمودی نیز درین قانون بحیث وکیل شهر کابل موافقت نموده تحت اشتمال و یا مجرم و جانی و ملزم قبل از فیصله محاکم و  
 علاوه بر جناب ایشان یکصد و هشتاد تن که همه مانعند محکومیت اصولی مجرم از مرجع ان توقیف و بازداشت نماید  
 او و کلا ی ملت و به اصطلاح تدای خلق - نماینده گان  
 خلقند آنها تصویب نموده ... آنها تصدیق یک قضیه یک جا و  
 کردید آن جای دیگر از روی منطق و عقل تقاضی نموست ؟  
 آیا تو همین قوا تسن قانون شکی محسوب نمیشود ؟  
 آیا هم وقت واحد قانون را تصویب نمودن و خود همان قانون  
 را تفهیم کردن مستلزم تولید اختلال و دو نیت نمیشود ؟  
 من که یکی از نماینده گان ملت نجیب افغانم و خدای را

(بنده دو سال با آقای وکیل صاحب همکارم - با تشکر گفتگر  
 میگردد که لله الحمد تازه واقف شده ام که آقای موصوفتو بنده  
 خویش اند و دراتی هم کار خویش بنما شده میتوانند ... در شماره آینده ما  
 افکار و نظریات خود را در مورد قانون مطبوعات و بیگاری صاحب همکارم

اقتباس حافظی

از کتابچه یاد داشت رحیب خان

شاذلی غ نیمان

زمره خلق

خلق میگویند دیگر تحمل عقب ماندن از کنوان تمدن بشریت را ندانند اگر به شرازمین به تحمل از تن در دهم تباهی ...  
فنا و امحاء ما را بار می آورند مردم بهم میگویند گرسنگی ...

بارها غلنی و بی پرد گفت امپاز هم میگویم ...  
اگر از من بهتر ستند تر گفته ای میگویم آری من گفته ام ...  
ولی آنچه من اکنون میگویم نظیر گفته های سابقه من نیست ...  
اکنون اصرار دارم همه بشنوند و بدانند ...

بیر همه گی ادبار فقر و مسکنت بحدی رسیده است که بوداشت در گوشه یکی بایست سرسرد کرد و در گوش دیگری فغان کشیدان دیگر از دست ما ساخته نیست ...

لا کن بی این! زانگفتم و بخطا رفتم چه هر گوش شنوا نیست ...  
اما این گران شنو ها؟! بهتر است نزد هر يك ازین ها ...

اقتضات محیط و تحمل ما را بجای کشانده است که هرگاه هر روز و جالو میز شان زانو بزنم و با اشاراتی که میخوانم به گنگ ...

هم افاده مرام و مطاب نمود ایشان را از چگونگی اجرائات شان ...  
گاه سازم آیا آنها چه چگونگی اجرائات خود هنوز نمی داند ...

خلق شکایت میکند که کار و مشغولیتی بر او ندارد که در ارد تا از یکطرف تا همین حیات مان را نموده و اقتصاد مملکت را ...

زودتی بخشید و از طرف دیگر بازار این همه شرور و مفسد ...  
اجتماعی ما را کاسد سازد مردم زمره میکند که عناصر ...

شور و خوار و طفیلی واحدی عصاره هستی ما را نموده اند که ...  
سر پناهی بخوردند آریم ولی کاخ های سر بظلم کشیده اند آن ...

در جواب من گفت: وجیه احق ترا در پیشگاه من کی راه ...  
داده؟ زود باش خارج شو ...

در هر جای قصر بکنگهم و بقصر سفید همسری میکند ...  
احساس مباحات میکند میگویند که ما پشاه و مقام بزرگ هستی او ...

لیک اکنون طوریکه حکومت دیمو کرات ما بما توقع داده میخولند ...  
به پیشگاه آمرین محترم خود را بر سائیم و با هر يك از چگونگی ...

گردیده و چنان وانمود شود که تا وقتی يك فرد خاندان شاهی ...  
میگردد چاشد خاق بخود حق نمیدهد در امور دولتی سهم بگیرد ...

متر قسم که هر يك از ایشان به سخنان من گوش داده ...  
قانع شوند و با دلایل قانع کننده به میان آرند و اگر ...

مشکلات رسیده - حکومتی فعال - جدی - زحمه کن ...  
شناس برایش ایجاد میشود - خلق نیک ملتفت است که حکومتی ...

باز هم مرا از خود رانده و در مقابلم پراهمین قاطع زور و ستم ...  
را قایم ساختند - متیقن باشند که دیر یا زود کشتی ستم ...

واجب این زمانه است از زمانی ایجاد گردیده میتواند که از خلق ...  
برای خلق و توسط خلق انتخاب شود - خلق میگویند که اگر ماطوری ...

در بحر ظلم مفروق گشته و تاریخ خط سیاه درشتی و ابهام ...  
شان خواهد کشید !!!

که هستیم بدانیم کاخ هستی ما تا بود خواهد گشته - خلق ...  
ایمان کامل اظهار میکند که حکومت حاضر ما اهلیت و ...

است - بدون تطبیق و جواز شرع شریف و اصول دولت تمیل استمداد ازاله و استعمال این مصائب و دردهای ما را ...  
ندارد زیرا این حکومت امتحان خود را داده است و لزوم ...

تدارک و حتی دور از مصاحبه است که آزموده از آزما بهره ...  
شود - زیرا برای ترقی مملکت تنها نیک و لبر موجود هم ...

نشده است؟ و آیا آینده را ضمانت میکنند که نشود؟ ...  
با تذکر اینکه مقامات عالی و کارمندان رئیس الهیه از قانون ...

باشد کفایت نکرده و بلکه اهلیت - صداقت و کار دانی ...  
هم لازم است - پس ما از شاه دیمو کرات خود تمنا داریم ...

اساسی رعایت و از موضوع استیضاح من خارج اند - در باره ارباب ...  
امر و حکم و نفوذ پاهانی که هر واحد ما را در حضر شان ...

که برای صفاقت تا موس مملکت و رهنمائی قوم پشاهراه ...  
دیمو کراسی امر بفرمایند که کاخ پشاه - صا لحنی از ...

باشند و نو رسیده گان هم توجیه نموده توضیحات و سرگذشتی ...  
تمثل فرمایند - شاید ایدال بی الا به شما اصلاحی بار ...

گردد -

آورد - یوسف آینه

بقیه صفحه ۲ - ستون ۲



آزادان دلخاک با کمال تأسف اطلاع میدهند که یکفر  
 مامور پو لیس و دو نفر ضابط مساعده دو پنجه روز شماره  
 شانزده نامه انگار راکه هر روز یکشنبه اول نور تشر شده بود  
 از دست مؤذمین جمع و گذاشته و باقیمانده نامه راکه در  
 اداره بود با ستیسل شماره مذکور ضبط و با استعلام آقای  
 محترم انگار مدیر مسئول روزنامه راه ماموریت پو لیس سمت جلب  
 نمودند ( علت و نتیجه تا کنون مجهول و این عمل مخالف ماده  
 ۴۶ قانون مطبوعات است )  
 از زایشگاه ( زیر تنون ) که برای چهار میلیون زمان مملکت  
 ۱۲ بستریه دارد خبر میدهند که دکتور متور خانم برای

بقیه سرمقاله

دو ماه رخصتی رفته است ( ما با کمال احترام از خانمهای  
 محترمه تقاضا میکنیم سستی نمایند که با هر بار خرد سیاسی  
 د چار نشوند - و ر نه ...  
 آنها استفاده و در مواقع لازمه از حقوق قانونی دولت مدافعه  
 نمایند - باین صورت هم لعل مدست آمد و هم بار اثر تجدید  
 گو یا از یکطرف ملت توسط انتخابات از ادب اساس یک قانون  
 اساسی انتخابات - توسط نمایندگان خوبین مجلس تقنینیه  
 و گاه بیسته را بدست گرفته و از طرف دیگر برای تامین موازنه  
 در مملکت و دفاع از حقوق اقلیت ها و مراقبت اساسی در انتخاباتها  
 حزی - مجلس اعیان تشکیل و بر همه قوانین و تصویبات -  
 شور و اپیلی تجدید نظر نموده و از جانب دیگر افراد متمسوب  
 بخاندان سلطنتی مقابلی در خور شان خود یافته - از ادواته  
 از نظریات دولت مدافعه و در نتیجه به طرفی مقام سلطنت و  
 مصونیت و عدم مسئولیت رئیس دولت و با شخص شخیص شام  
 تامین میگردد ( محمودی )

بقیه آنها میتوان ...

همین جوانان اند - جوانانیکه مکررین آنها همشان را اجزای  
 مهمل - دورنگ - متظاهر - بهیامه - تا توان و طالب جوگی  
 میخوانند یا قبول صد ها فداکاری و ایثار تحولات حیرت  
 آوری را درین ظلمتکده پذیرد آورده و هنوز هم حاضر اند  
 در میدان مبارزه بهترین امتحان شهاص و برده یاری میدهند  
 ولی آنگاهکه با اینهمه شواهد و حقایق و امتحان جوانان را  
 حاصل هیچ تحولی نمی شمارند و بهر جود بیت و سهم بارز آنها  
 نایقان ندارند - یا اینهاش اند که بگلن طاقت بصیرت اند و با  
 میدانند ولی بیاهل کرده و روحا جوان ندارند باین متبسیع  
 نور و قوت نظر افکنده و با برای تسلی خود از کار ازین قوه را  
 که در همه دنیا بهرور و مدار چرخ زنده گی روانه و در افتاست  
 هم حیات مملکت در هر رشته به آزوی جوان اتکاد برد مفید دانسته

مطبعه - گسترش شخص تداء خلق - کابل

دو ماه رخصتی رفته است ( ما با کمال احترام از خانمهای  
 محترمه تقاضا میکنیم سستی نمایند که با هر بار خرد سیاسی  
 د چار نشوند - و ر نه ...  
 آنها استفاده و در مواقع لازمه از حقوق قانونی دولت مدافعه  
 نمایند - باین صورت هم لعل مدست آمد و هم بار اثر تجدید  
 گو یا از یکطرف ملت توسط انتخابات از ادب اساس یک قانون  
 اساسی انتخابات - توسط نمایندگان خوبین مجلس تقنینیه  
 و گاه بیسته را بدست گرفته و از طرف دیگر برای تامین موازنه  
 در مملکت و دفاع از حقوق اقلیت ها و مراقبت اساسی در انتخاباتها  
 حزی - مجلس اعیان تشکیل و بر همه قوانین و تصویبات -  
 شور و اپیلی تجدید نظر نموده و از جانب دیگر افراد متمسوب  
 بخاندان سلطنتی مقابلی در خور شان خود یافته - از ادواته  
 از نظریات دولت مدافعه و در نتیجه به طرفی مقام سلطنت و  
 مصونیت و عدم مسئولیت رئیس دولت و با شخص شخیص شام  
 تامین میگردد ( محمودی )

ادبیات فریاد

دامن صبر از کف بیداد داد  
 یارب از بیداد استبداد داد  
 تا یکی باشد مقید ناله ام  
 میزتم قریاد هر چه باد باد  
 سخت در دام غرور و غم جزم  
 از تواضع هایت ای صیاد داد  
 دانه ای بنیاد آلام بیداد  
 ای ستیگر خانه ات بر باد باد  
 ای فلک ای آسمان بازی نشد  
 از شما یک خاطر نظر شد  
 یارب از بند مذلت وار همان  
 آنکه او را مادر شر آزاد ز داد

نورق هستی رفته از یاد دل - داد از بیداد صیاد د لب  
 زندگی در خواب تنگین تابکی - شمه از زهر نکرتین تا بکسی  
 رونق بازار هر بهر و جوان - سهو در و عطر و جلا تین تابکی  
 عینک بود تو اندر چشم ناز - مانند و بر خلق بد بین تابکی  
 غارغ از گلزار بلخی - تا بچند - محو اسمار لا مار تین تا بکسی  
 " ماد موازل " گفتن بر رفتن ز خورشید کشته - سابق پلورین تا بکسی  
 فر دم اندر زندگی گرم جدال  
 ما بفکر خام و سودای محال